

سیاستهای کشاورزی، سیاستهای اقتصاد کلان و محرکهای قیمت تولیدکننده در کشورهای در حال توسعه نتایج بین کشوری برای محصولات عمده

رولند هرمن

ترجمه: علی حسین صمدی*

چکیده

این مقاله با به کارگیری اطلاعات سالانه بین سالهای ۱۹۶۹-۸۵ برای گندم و برنج (دو محصول عمده غذایی) و قهوه (محصول عمده صادراتی) در چند کشور در حال توسعه به طور نمونه، به سئوالهای زیر پاسخ داده می‌دهد.

۱. در کشورهای در حال توسعه تأثیر سیاستهای کشاورزی و سیاستهای اقتصاد کلان به سطح متوسط قیمتهای تولیدکننده چگونه است؟

۲. چگونه می‌توان بی‌ثباتی قیمت تولیدکننده را از طریق این سیاستها اصلاح کرد؟ و

چگونه الگوی «تثبیت قیمت» در این کشورها به الگوی «حمایت قیمت» مربوط می‌شود؟

۳. کدام محصول در این کشورها بیشتر مورد حمایت قرار می‌گیرد و به واسطه کدام

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج.

سیاست؟ (کشاورزی یا اقتصاد کلان)؟

۴. در شکل دادن محرکهای قیمت تولیدکننده، کدام سیاست اهمیت بیشتری دارد؟

نویسنده با به کارگیری تکنیک تجزیه، تأثیر سیاستهای کشاورزی و اقتصاد کلان را بر «حمایت ویژه» مورد مطالعه قرار داده و نتیجه می‌گیرد که در کشورهای در حال توسعه، منبع اصلی حمایت ویژه در بخش کشاورزی، سیاستهای اقتصاد کلان و در بسیاری از موارد سیاست کشاورزی است. با تغییرات نرخ ارز در این کشورها، تولیدکنندگان بخش کشاورزی بیشتر تحت فشار قرار می‌گیرند. در این مطالعه زیرگروهی از کشورهای در حال توسعه صادرکننده و واردکننده نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. نتیجه به دست آمده از مطالعه کشورهای زیرگروهی نشان می‌دهد که آثار تثبیت‌کنندگی سیاستهای کشاورزی و سیاستهای اقتصاد کلان برای کشورهای واردکننده قویتر از کشورهای صادرکننده است. در آخر پیشنهادهایی جهت سیاستگذاری و تحقیقات آینده ذکر شده است.*

در زمینه بحث بین‌المللی در مورد آزاد سازی تجارت محصولات کشاورزی، در سالهای اخیر جهت اندازه‌گیری سطح «حمایت کشاورزی» [۱] در بسیاری از کشورها و مقایسه سطوح بین آنها و محصولات، تلاش عمده‌ای صورت گرفته است. برای کشورهای صنعتی [۲] کشورهای در حال توسعه و صنعتی [۳] و همچنین برای نمونه‌هایی فقط شامل کشورهای در حال توسعه [۴] مطالعات مهمی صورت گرفته است. از این متون می‌توان حقایق مشخص زیر را در مورد «حمایت» در کشورهای در حال توسعه استخراج کرد:

۱. کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای پیشرفته بر بخش کشاورزی خود فشار می‌آورند.

۲. کشورهای در حال توسعه اغلب در مورد بخش کشاورزی در مقایسه با بخشهای

* اصل این مقاله فاقد چکیده بوده و از منبع زیر تهیه شده است:

Roland Herrmann (1997), Agricultural policies, Macroeconomic policies, and producer price incentives in Developing Countries, Cross - Country Results for Major Crops, The Journal of Developing Areas, Vol. 31, PP. 203 - 220, Winter.

سیاستهای کشاورزی، ...

صنایع کارخانه‌ای خود تبعیض قائل می‌شوند.

۳. در بخش کشاورزی، محصولات غذایی در مقایسه با محصولات صادراتی مورد توجه

است.

۴. در کشورهای در حال توسعه اغلب سیاست اقتصاد کلان به جای سیاست کشاورزی بر

بخش کشاورزی فشار می‌آورد.

به رغم شواهد مؤثر و مفید تهیه شده توسط «اقتصاد سیاسی سیاست قیمتگذاری

محصولات کشاورزی» [۵] بانک جهانی، [۶] در مورد حمایت کشاورزی در مقابل حمایت

غیرکشاورزی در ۱۸ کشور در حال توسعه، هنوز هم سؤالهایی باقی است. مطالعه بانک جهانی

در ارتباط کشوری است، به جای اینکه در ارتباط کالایی باشد. برای مثال حمایت در بخش قهوه،

فقط در ۳ کشور از ۱۸ کشور صورت گرفته است، که در آنها قهوه محصول عمده صادراتی است.

شواهد نظام‌وار کشوری، از حمایت کالاهای مهم در کشورهای در حال توسعه بویژه شواهد به

شکل سریهای زمانی برای یک دوره طولانیتر هنوز هم کم است. مطالعات کالایی موجود در

مورد حمایت کشاورزی در کشورهای در حال توسعه به محصولات منفرد مانند گندم [۷] یا به

نمونه‌های از محصولات غذایی مانند ذرت، گندم و برنج [۸] مربوط می‌شود. در خصوص دوره

زمانی در نظر گرفته شده، مطالعات کالایی موجود به ۱۹۸۰-۸۲ [۹] یا ۱۹۸۰-۸۶ [۱۰] یعنی به

دوره‌های زمانی کوتاهمدت مربوط می‌شود. مطالعه اخیر توسط Roland, Nikolaus Gotsch

، Hermann Guntherpeter [۱۱] اشاره به دوره ۱۹۶۹-۸۸ داشته و شامل کاکائو نیز می‌شود.

این مطالعه به طور اساسی یافته‌های تحلیل قبلی برای آثار سیاست بر سطح قیمتهای تولیدکننده را

تصدیق کرده، اما دلالت‌های صنفی برای رشد و ثبات قیمتهای تولیدکننده را تحت پوشش قرار

نمی‌دهد. بنابراین هدفهای این مقاله عبارت است از تحلیل اینکه:

۱. در کشورهای در حال توسعه، سطح متوسط قیمتهای تولیدکننده چگونه از طریق

سیاستهای کشاورزی و سیاستهای اقتصاد کلان تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

۲. تأثیر بر سطح قیمت تغییر یافته در طول زمان چگونه است.

۳. بی‌ثباتی قیمت تولیدکننده چگونه از طریق سیاستهای مورد نظر اصلاح می‌شود.

در این مقاله دو محصول غذایی مهم (گندم و برنج) و یک محصول عمده صادراتی (قهوه) برای دوره زمانی ۱۹۶۹ - ۸۵ مورد نظر است.

این مقاله، به طور جدی و براساس داده‌ها، به دنبال پاسخ دادن به سئوالهای زیر است:

۱. آیا دولتهای کشورهای در حال توسعه با سیاستهای مستقیم کشاورزی خود، قیمتهای تولیدکننده برای گندم، برنج و قهوه را از قیمتهای جهانی جدا می‌کنند یا نه و اگر چنین است، در چه جهت و به چه اندازه‌ای؟

سیاستهای مستقیم کشاورزی شامل کلیه ابزارهایی است که برای متغیرهای بخش کشاورزی هدفگذاری می‌شود.

۲. آیا دولتهای کشورهای در حال توسعه، محرکهای بخشهای گندم، برنج و قهوه را از طریق سیاستهای اقتصاد کلان بی‌اثر می‌سازند؟ سیاستهای اقتصاد کلان شامل سیاستهای نرخ ارز و سیاستهای تجاری است که بر متغیرهای بخش کشاورزی اثر می‌گذارد، بدون اینکه آنها از طریق نرخ ارز مورد هدف باشند.

۳. در شکل دادن محرکهای قیمت برای تولید گندم، برنج و قهوه در کشورهای در حال توسعه، آیا سیاستهای اقتصاد کلان نسبت به سیاستهای کشاورزی اهمیت کمتری دارد یا بیشتر، و این محرکها در طول زمان چگونه در این ۳ بخش گسترش می‌یابد؟

۴. آیا تولیدکنندگان گندم و برنج در مقایسه با تولیدکنندگان قهوه مورد حمایت قرار می‌گیرند یا نه؟ یا توضیح می‌دهد که آیا برای محصولات غذایی در کشورهای در حال توسعه، فرضیه برتریهای سیاستگذاران معتبر است یا نه؟ آیا این برتریها در طول زمان تغییر می‌کند یا نه؟

۵. بی‌ثباتی قیمت تولیدکننده از طریق سیاستهای کشاورزی و اقتصاد کلان چقدر تغییر یافته و الگوی «تثبیت قیمت» [۱۲] در بین کشورها چگونه به الگوی «حمایت قیمت» [۱۳] مربوط می‌شود؟

۶. آیا آثار متفاوت سیاستها بر محرکهای قیمت تولیدکننده در کشورهای در حال توسعه صادرکننده در تضاد با کشورهای در حال توسعه واردکننده، وجود دارد یا نه؟

سیاستهای کشاورزی، ...

بخش اول، روشهایی را که برای تجزیه محرکها یا نبود محرکهای قیمت به واسطه منابع «سیاست» به کار برده می‌شود، ارائه می‌دهد. بخش بعدی پایه اطلاعاتی را تشریح می‌کند که برای «تحلیل مقداری» به کار برده می‌شود. در بخش سوم، نتایج تجربی برای هر کشور و همچنین آمارهای بین‌کشوری نشان داده شده است. همچنین، الگوهای عمومی آثار «سیاست» در بین کشورها و در بین محصولات ساخته شده است.

بخش چهارم، شامل تحلیل این مسئله است که چگونه سیاستها در کشورهای در حال توسعه صادرکننده در تضاد با کشورهای در حال توسعه واردکننده، متفاوت است. بخش آخر شامل بعضی نتایج به دست آمده از یافته‌های اساسی برای سیاستگذاری و تحقیق است.

مفهوم اندازه‌گیری: تجزیه محرکهای قیمت از طریق منابع سیاست

روش‌شناسی پیشنهاد شده در این جا برای مقایسه بین‌کشوری حمایت کشاورزی، تجزیه «حمایت ویژه» [۱۴] از طریق تأثیر سیاست کشاورزی و سیاست اقتصاد کلان است. این روش تشبیه به راهکار معرفی شده توسط Alberto Valdes, Maurice Schiff, Anne O. Kruger [۱۵] است. به گونه‌ای که نرخ اسمی حمایت به نسبت قیمت بین کشاورزی و غیرکشاورزی راجع به سیاست مستقیم و غیرمستقیم کشاورزی اندازه‌گیری و تجزیه شده است. اگرچه به طور مشخص تشریح اینکه «سیاست» بر قیمت‌های نسبی اثر می‌گذارد، اهمیت دارد، در عین حال راهکار بانک جهانی در یک تحلیل وسیع بین‌کشوری برای هر کشور قابل کاربرد نیست و بخشهای غیرکشاورزی در کشورهای مورد نظر باید الگوبندی شود. بنابراین، این تحلیل بر آثار روی محرکهای قیمت در بخشهای کالایی مربوط متمرکز شده است، همچنانکه در بررسی، «حمایت کشاورزی» توسط سازمان همکاری اقتصاد و توسعه (OECD)، دایره کشاورزی ایالات متحد (USDA) و کلیه مطالعات موجود مربوط به کشورها، مطالعه شده است.

حمایت کل، که در این جا به عنوان نرخ خالص اسمی حمایت (NNRP₁) اندازه‌گیری می‌شود، تجزیه شده است. حمایت کل، مجموع نرخهای خالص اسمی حمایت به واسطه سیاستهای کشاورزی (NNRP₂) و نرخهای خالص اسمی حمایت به واسطه سیاستهای اقتصاد کلان

(NNRP_m) است:

$$NNRP_t = NNRP_a + NNRP_m$$

همچنانکه از اندازه گیری حمایت به خوبی معلوم است، نرخهای خالص حمایت از نرخهای تعادلی ارز (e^*) استفاده می کند، در حالی که نرخهای ناخالص حمایت این کار را انجام نمی دهد، زیرا براساس نرخهای رسمی ارز (e) است. حمایت کل $NNRP_t$ به صورت زیر اندازه گیری می شود:

$$NNRP_t = 100 (P_i - P_w^s, e^*) / (P_w^s, e^*) \quad (2)$$

که در آن P_i قیمت تولیدکننده کالا در کشور i به پول داخلی، و P_w^s قیمت بازار جهانی این کالا به دلار ایالات متحد است. معادله (۲) معیاری را نشان می دهد که تأثیر سیاستهای کشاورزی و اقتصادی کلان و قیمتهای تولیدکننده را با هم ترکیب می کند. موقعیت به همراه سیاست، با موقعیت فرضی بدون سیاست تفاوت آشکاری دارد. در موقعیت فرضی، قیمت بین المللی P_w^s به جای P_i معتبر خواهد بود و بدون پیچیدگیهای اقتصاد کلان، نرخ ارز تعادلی e^* به جای نرخ ارز حقیقی (e) انتخاب می شود. شناسه حمایت کل به واسطه سیاست کشاورزی را می توان به صورت زیر اندازه گیری کرد:

$$NNRP_a = 100 (P_i - P_w^s, e) / (P_w^s, e^*) \quad (3)$$

به طور مشابه، شناسه حمایت به واسطه سیاستهای اقتصاد کلان را می توان به صورت زیر الگوبندی کرد:

$$NNRP_m = 100 (P_w^s, e - P_w^s, e^*) / (P_w^s, e^*) = 100 (e - e^*) / e^* \quad (4)$$

به آسانی می توان دید که معادلات (۳) و (۴) فقط به ترتیب اثر سیاستهای کشاورزی و سیاستهای اقتصاد کلان را نشان می دهد. هنگامی که معادله (۲) به صورت زیر دوباره نوشته شود:

$$NNRP_t = 100 (P_i \cdot e - P_w^s \cdot e + P_w^s \cdot e) / (P_w^s \cdot e^*) \quad (5)$$

بخوبی می توان در صورت کسر دید که $NNRP_t$ به صورتی که در معادله ۱ تعریف شده،

مجموع $NNRP_m$ و $NNRP_a$ است.

سیاستهای کشاورزی، ...

صورت معادله (۳) نشاندهنده مقایسه بین P_i و P_w (قیمت جهانی به پول داخلی) است: «سیاست کشاورزی» است که بر اختلاف بین P_i و P_w اثر می‌گذارد. صورت کسر معادله (۴) نشان می‌دهد که تنها اختلاف در نظر گرفته شده، اختلاف بین نرخ ارز تعادلی و نرخ ارز حقیقی است. «سیاست نرخ ارز» است که بین این دو متغیر، شکاف ایجاد می‌کند. در این جا «سیاست اقتصاد کلان» سیاستهای مستقیم نرخ ارز را به واسطه مقررات دولتی بازار ارز خارجی، و هم آثار غیرمستقیم «سیاستهای صنعتی» یا «سیاست مالی» بر نرخ ارز را تحت پوشش قرار می‌دهد. تحلیل مقداری ارائه شده در این جا براساس معادلات (۱) تا (۴) است. در تمام سالهای دوره ۱۹۶۹-۸۵، متغیرهای $NNRP_i$ ، $NNRP_m$ ، $NNRP_a$ برای گندم، برنج و قهوه در نمونه‌ای وسیع از کشورهای در حال توسعه محاسبه شده است. «سطوح متوسط حمایت» [۱۶] و همچنین روزها، به خاطر روشن ساختن افزایش یا کاهش معنیدار در حمایت، محاسبه شده است. اضافه بر آن تأثیر سیاستهای کشاورزی بر ثبات قیمت‌های تولیدکننده، به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$SI = 100 \left[\frac{(\text{varInp}_i)^{0/5} - (\text{varInp}_w)^{0/5}}{[(\text{varInp}_w)^{0/5}]} \right] \quad (6)$$

تأثیر تثبیتی (SI) که توسط معادله (۶) تعریف شده است، درصد تغییرات «الفا شده توسط سیاست» [۱۷] در انحراف معیار لگاریتم قیمت‌های تولیدکننده را اندازه‌گیری می‌کند. با به کارگیری انحراف معیار لگاریتم قیمت‌ها، به طور صنفی بی‌ثباتی را بر حسب انحرافات نسبی (و نه مطلق) از مقدار میانگین، اندازه‌گیری می‌کنیم. با در نظر گرفتن روش‌شناسی ارائه شده، به دست آوردن اطلاعات در مورد آثار سیاستهای کشاورزی و اقتصاد کلان بر سطح، روند و بی‌ثباتی قیمت‌های تولیدکننده در مقایسه با موقعیت تجارت آزاد، امکانپذیر می‌شود.

منبع داده‌ها

به خاطر به کارگیری «راهکار اندازه‌گیری» [۱۸]، ضروری است که مشکلات زیاد داده‌ها بویژه در مورد هزینه‌های حمل و نقل و نرخهای تعادلی ارز را حل کنم. همچنانکه در متون «حمایت کشاورزی» بحث شده، باید زخمهای معنیدار حمایت را در یک نقطه در «خط مشی بازاریابی» [۱۹] با قیمت‌های جهانی و تولیدکننده مقایسه کرد [۲۰] این مسئله به طور ضمنی اشاره

می‌کند که هزینه‌های حمل و نقل که در معادلات قبلی وارد نشده است، باید به طور مناسبی در نظر گرفته شود. در فرم تکمیل شده معادلات (۱) تا (۶) تصحیح هزینه حمل و نقل به کار برده می‌شود. همانند مطالعه اخیر توسط Truman P. Philips, Daphne S. Taylor [۲۸]، به مقایسه قیمت برای کشورهای واردکننده در نقطه مصرف عمده (بزرگترین شهر) پی برده شد. در کشورهای صادرکننده، قیمت‌های داخلی و بین‌المللی در کنار مرز مقایسه شده است. [۲۲] قسمتی از داده‌های هزینه‌های حمل و نقل داخل کشوری از کتاب Taylor گرفته شده است. [۲۳] اما در بسیاری از موارد، برای هر کشور و هر محصول به طور جداگانه و براساس فاصله بین نقاط تولید و بنادر (استخراج شده از World Atlas of Agricultural [۲۴] محاسبه و هزینه‌های حمل و نقل برای هر کیلومتر توسط Taylor ارائه شده است. داده‌های قیمت تولیدکننده از ۱۹۶۹ تا ۸۵ از Statistion Prices Received by Farmers [۲۶] سازمان کشاورزی و مواد غذایی (FAO) استخراج شده است. قیمت‌های بین‌المللی در کنار مرز برای هر کشور، هر سال و کالا به صورت ارزشهای واحد تجاری بر اساس قیمت F.o.b. (فوب) برای صادرکنندگان ویژه (کشورهای صرفاً صادرکننده و بر اساس سیف Cif) برای واردکنندگان ویژه (کشورهای صرفاً واردکننده) محاسبه شده است. [۲۷] نرخهای حقیقی ارزش از آمارهای مالی بین‌المللی (IFS) [۲۸] صندوق بین‌المللی پول در دسترس بود ولی نرخهای تعادلی ارزش البته نامعلوم است. مانند مطالعه Taylor و Philips [۲۹] نرخهای تعادلی ارزش با نرخهای ارزش بازار موازی تقریب زده شد که در World Currency yearbook [۳۰] و Pick's Currency yearbook [۳۱] برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه منتشر می‌شود. استفاده از نرخهای بازار موازی به یقین ساده‌سازی است، همچنانکه نرخ ارزش بازار موازی فقط تحت شرایط مشخصی معادل با نرخ ارزش تعادلی در موقعیت فرضی بودن پیچیدگیهای سیاستی است. اما نرخهای بازار موازی برای نشان دادن جهت انحرافات در نرخهای ارزش ابراز شده و می‌توان به طور نظری اثبات کرد که با پیشفرض برآورد نرخهای ارزش تعادلی صحیح، اریب نیست. اضافه بر آن، راهکار بهتر نظری الگوسازی نرخهای ارزش تعادلی با الگوهای ساختاری بازار برای نرخهای ارزش تعادلی در مطالعات مربوط به هر کشور عملی بوده ولی در تحلیلهای تطبیقی مربوط به ۴۴ کشور همانند این مقاله، عملی نیست.

شواهد تجربی برای کشورهای در حال توسعه موجود در نمونه در بخش زیر، جدولهای انتخابی از طریق پاسخ دادن به بعضی از عبارات اساسی سیاستی تفسیر شده است. از یک طرف، نرخهای خالص اسمی حمایت در ضمیمه ارائه و در جدول شماره ۱ خلاصه شده است. همچنانکه در بخش قبلی نشان داده شد، این نرخها برای هزینه‌های حمل و نقل و «نرخهای ارز تحریف شده» [۳۲] تصحیح شده است. از طرف دیگر، همبستگی بین آثار سیاستی انتخابی برای محرکهای قیمت محصولات کشاورزی در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

آثار «سیاست» بر سطح متوسط قیمت‌های تولیدکننده و روند قیمت

تأثیر سیاستها بر متوسط قیمت‌های تولیدکننده در بین کشورها و کالاها در سطح وسیعی متغیر است. همان طور که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، تأثیر سیاست کشاورزی و هم سیاست اقتصاد کلان بر محرکهای قیمت در کشورهای در حال توسعه قوی است.

نخست، تفاوتی عمده بین گندم و برنج و قهوه وجود دارد. به روشنی تأثیر متوسط سیاست بر قیمت‌های تولیدکننده در بین کشورها و بر متوسط دوره ۱۹۶۹ - ۸۵ برای گندم (+%) نسبت به برنج (۲۷/۰ - %) مساعد و نسبت به قهوه (۴۵/۰ - %) مساعدتر است. همچنانکه متوسط $NNRP_{m}$ در حدود ۱۹ - درصد نشان داده شده است، تأثیر سیاستهای اقتصاد کلان برای سه کالا مشابه بوده ولی تأثیر سیاست کشاورزی است که اینگونه محرکهای مختلف قیمت را به دست می‌دهد.

دوم، برای گندم می‌توان دید که نیمی از کشورهای در حال توسعه مورد نظر، با ترکیب سیاستی سیاستهای کشاورزی و اقتصاد کلان به تولیدکنندگان یارانه می‌دهند. اما به درستی سیاستهای کشاورزی فقط در ۱۷ کشور از ۲۰ کشور برای تولیدکنندگان گندم مساعد است. تأثیر متوسط سیاست کشاورزی تنها یک محرک قیمتی ۱۸ درصدی است.

جدول ۱. آثار متوسط سیاستهای کشاورزی و اقتصاد کلان بر محرکهای قیمت در کشورهای در حال توسعه: ۱۹۶۹ - ۸۵ (ارقام به درصد)

قهوه (n=۲۱)	برنج (n=۲۴)	گندم (n=۲۰)	
			آثار متوسط بر متوسط قیمت تولیدکننده
-۴۵	-۲۷	۰	NNRP _t
-۲۴	+۹/۵	+۱۸	NNRP _a
-۱۹	-۱۸/۵	-۱۸/۵	NNRP _m
			آثار متوسط بر رشد قیمت‌های تولیدکننده
-۱/۸	-۰/۴	-۱/۵	NNRP _t
-۶۸	-۰/۴	-۱	NNRP _a
-/۰۸	-۰/۳	+۰/۱	NNRP _m
+۴/۶	-/۱۷/۷	-۲۸/۵	آثار متوسط بر بی‌ثباتی قیمت‌های تولیدکننده (SI)

منبع: جدولهای ضمیمه، محاسبات نویسنده

در مقایسه با سایر مطالعات مربوط به گندم که اشاره به مجموعه داده‌های بسیار محدود دارد. نتایج، یافته‌های قبلی Gustavo Sain, Derek Byerlee [۳۳] را تصدیق می‌کند که نشان می‌دهند هیچ تبعیض نظام‌وار بر علیه تولیدکنندگان گندم در کشورهای در حال توسعه وجود ندارد. این نتایج حتی هنگامی که ارزش‌گذاری بیش از حد پول داخلی در سطح وسیعی از کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شود، درست خواهد بود. جدول A_۱ ضمیمه، متناقض با یافته‌های مطالعه Phillips و Taylor است که به روشنی برای دوره کوتاه‌تر ۱۹۸۰ - ۸۶ سطح حمایت ویژه کمتر از واحد را به دست آوردند.

سوم، تحلیل حمایت ویژه، برای برنج آشکار می‌سازد که در واقع سیاستهای نرخ ارز به طور صنعتی تولید برنج در کلیه کشورها را تحت فشار قرار داده است. این مسئله شبیه به موقعیت گندم و قهوه است. اما سیاست کشاورزی برای برنج نسبت به گندم کمتر مساعد بوده است. NNRP_a متوسط، هنوز هم مثبت معادل ۹/۵ درصد بوده و ۱۴ کشور از ۲۴ کشور از طریق سیاست کشاورزی به تولیدکنندگان برنج یارانه داده است. با وجود این تأثیر منفی ناشی از

سیاستهای کشاورزی، ...

سیاست اقتصاد کلان بر محرکهای قیمت حکمفرما بوده و هنگامی که تأثیر متوسط در بین کشورها در نظر گرفته شود، منجر به حمایت ویژه منفی می‌گردد. از تحلیل با جزئیات بیشتر برای کشورها، روشن است که سیاست مستقیم برنج در کشورهای «واردکننده ویژه» [۳۵] نسبت به کشورهای «صادرکننده ویژه» [۳۶] به طور معنیداری مساعدتر بوده است. [۳۷]

چهارم جدول ۱ نشان می‌دهد که ساختار محرکهای قیمت، به واسطه سیاست کشاورزی برای قهوه نسبت به گندم و برنج بسیار متفاوت است. کلیه کشورهای تولیدکننده قهوه در سیاستهای کشاورزی خود بر علیه تولیدکنندگان خود تبعیض به صورت سطح متوسط حمایت ۲۴- درصدی قایل می‌شوند. این مسئله به طور ضمنی اشاره می‌کند که نبودن محرک اساسی سیاست کشاورزی وجود دارد که به طور متوسط تقویت می‌شود، اما به طور متوسط، تأثیر سیاست کشاورزی برای تولیدکنندگان قهوه نسبت به اثر سیاست اقتصاد کلان نامساعدتر بوده است.

تأثیر سیاستهای داخلی در کشورهای در حال توسعه که در طول زمان تغییر می‌یابد چقدر است؟ پاسخ به این سؤال را می‌توان از طریق تفسیر نرخهای رشد «نرخهای خالص اسمی حمایت» ($NNRP_m$, $NNRP_a$, $NNRP_f$) پیدا کرد. برای هر کدام از کالاهای مورد نظر، کشورهای زیادی وجود دارد که در آغاز سیاستها بر کشاورزی فشار قابل ملاحظه‌ای می‌آورد، در عین حال کشورهای دیگری نیز وجود دارد که محرکهای قیمت در طول زمان برای آنها مساعد است. اما دوباره نتیجه کلی این است که اختلاف قابل ملاحظه‌ای بین محصولات غذایی و محصولات صادراتی وجود دارد.

در مورد قهوه، علامت نرخ رشد متوسط $NNRP_f$ منفی بوده و بزرگتر از گندم و برنج است. این مسئله به طور ضمنی اشاره می‌کند که در کشورهای در حال توسعه، سیاستها برای محرکهای قیمت تولیدکننده در طول زمان تا مدتی که کشور متوسط در نظر گرفته می‌شود، نامساعدتر است. اگر به تک تک کشورها توجه کنیم، تأثیر کلی قیمت سیاستهای نرخ ارز و کشاورزی به طور معنیداری فقط در یک کشور تولیدکننده قهوه یعنی رواندا بهبود یافته است. این مسئله در ۱۳ کشور تولیدکننده قهوه به طور معنیداری بدتر شده است. هشت کشور

تولیدکننده قهوه به توسعه منفی معنیدار محرکهای قیمت بر اثر سیاست کشاورزی و دوازده کشور دیگر بر اثر سیاست اقتصاد کلان پی برده‌اند. زوال چارچوب سیاستی وسعت کمتری داشته و در مورد گندم و برنج کمتر یکنواخت است.

وضع گندم و برنج روشن نیست. در مورد برنج، ۵ کشور به بهبود معنیدار در تأثیر قیمت به واسطه جمع سیاستهای کشاورزی و اقتصاد کلان پی برده‌اند، در حالی که ۶ کشور از زوال معنیدار رنج برده است. اگر جمع سیاستهای کشاورزی و اقتصاد کلان به طور جداگانه در نظر گرفته شود، بیشتر کشورهای تولیدکننده برنج حمایت ویژه‌ای داشته که به طور معنیدار، افزایشی بود. تا کاهشی. در مورد گندم، زوال معنیدار $NNRP_p$ برای ۹ کشور و بهبود معنیدار برای ۳ کشور اتفاق افتاده است. اما به طور تقریب بسیاری از کشورهای تولیدکننده گندم، $NNRP_a$ و $NNRP_m$ خود را به جای کاهش، افزایش داده‌اند.

آثار «سیاست» بر بی‌ثباتی قیمت‌های تولیدکننده در ستون (۷) جدولهای A۱، A۲، A۳ در ضمیمه، آثار کلی سیاست کشاورزی بر انحراف معیار لگاریتمهای قیمت‌های تولیدکننده ارائه شده است. علامت مثبت نشان‌دهنده این است که بی‌ثباتی قیمت به واسطه سیاست در مقایسه با موقعیت تجارت آزاد افزایش می‌یابد، یعنی اثر بی‌ثبات‌کنندگی قیمت وجود دارد، در حالی که علامت منفی از اثر تثبیت‌کنندگی قیمت حمایت می‌کند. آثار تثبیتی به وسعت در بین کشورها و کالا تغییر می‌کند. مطلب قابل توجه این است که دوباره با محصولات غذایی گندم و برنج نسبت به محصول صادراتی قهوه، مساعدتر برخورد می‌شود.

تحلیل برای گندم (جدول A۱) آشکار می‌سازد که اکثر کشورهای تولیدکننده گندم (۱۴ کشور از ۲۰ کشور) قیمت‌های تولیدکننده را از طریق سیاستهای کشاورزی خود تثبیت کرده‌اند. تأثیر متوسط، کاهش در بی‌ثباتی قیمت در حدود ۲۸/۵ درصد است. می‌توان نتیجه گرفت که تولیدکنندگان گندم در کشورهای در حال توسعه بواسطه سیاست کشاورزی راجع به سطح و ثبات قیمت‌های تولیدکننده تحت حمایت قرار گرفته‌اند.

خط پایینی [سطر کلیه کشورها] برای برنج (جدول A۲) مثل نتایج گندم است، ولی در طول

مدتی که تأثیر متوسط مورد نظر است، تا اندازه‌ای جدا است. از ۲۴ کشور تولیدکننده برنج، ۱۷ کشور با سیاستهای کشاورزی خود به ثبات قیمت کمک کرده‌اند. بر طبق تأثیر متوسط، بی‌ثباتی قیمت در حدود ۱۷/۷ درصد کاهش یافته است. به طور متوسط در بین کشورهای نمونه، می‌توان خلاصه کرد که بر علیه تولیدکنندگان برنج در کشورهای در حال توسعه، به موجب تأثیر کلی سیاستهای کشاورزی و اقتصاد کلان تبعیض صورت گرفته است، ولی در نتیجه سیاست کشاورزی در مورد سطح و ثبات قیمت‌های تولیدکننده این تولیدکنندگان مورد حمایت قرار گرفته‌اند.

نتیجه اساسی برای قهوه (جدول ۳A) به شدت متفاوت است. فقط ۸ کشور از ۲۱ کشور تولیدکننده کمک کرده‌اند، در حالی که کشورهای دیگر به ثبات نبودن قیمت‌های تولیدکننده کمک کرده‌اند. تأثیر متوسط در بین کلیه کشورها یک بی‌ثباتی در حدود ۴/۶ درصدی است. می‌توان نتیجه گرفت که بر علیه تولیدکنندگان قهوه در کشورهای در حال توسعه به واسطه کل سیاستهای کشاورزی و اقتصاد کلان تبعیضی صورت گرفته و اینکه سیاست کشاورزی بار سنگینی را بر دوش تولیدکنندگان قهوه نسبت به سطح و ثبات قیمت‌های تولیدکننده قرار داده است.

بعضی الگوهای عمومی حمایت کشاورزی در جدول شماره ۲. شواهد تجربی در جدولهای ضمیمه برای تحلیل همبستگی بین آثار عمده سیاست بر محرک‌های قیمت تولیدکننده به کار برده شده است. این جدول اجازه تحلیل بین کشوری و بین کالایی را می‌دهد. این نتایج برای کشورهایی که بر علیه تولیدکنندگان خود نسبت به سطح قیمت تبعیض قائل می‌شوند، نسبت به سایر کشورها که ثبات قیمت کمتر یا بیشتری را تهیه می‌کند، احتمالی است. اضافه بر آن امکان بحث در رابطه با موضوع را فراهم می‌کند که باید گفت آیا کشورهایی که سطح حمایت فزاینده شدیدی دارند، نسبت به کشورهای دیگر، ثبات کمتری دارند یا بیشتر؟

جدول ۲. همبستگی بین آثار سیاست انتخابی بر محرکهای قیمت محصولات کشاورزی در کشورهای در حال توسعه، ۱۹۶۹ - ۸۵

کلیه محصولات	قهوه	برنج	گندم	جفت متغیرهای تحلیل شده
۰/۸۸***	۰/۳	۰/۸۷***	۰/۸۶**	NNRP _t /NNRP _a
۰/۵۵***	۰/۶۸***	۰/۷***	۰/۶۸***	NNRP _t /NNRP _m
۰/۸۷***	۰/۶۵***	-۰/۹۴***	۰/۸۳***	NNRP _t /NNRP _a
۰/۴	۰/۵*	۰/۲۱	۰/۵۱*	NNRP _t /NNRP _m
-۰/۱۵	۰/۱۶	-۰/۱۷	۰/۰۲	NNRP _t /SI
-۰/۲۸*	۰/۲۹	-۰/۲۳	۰/۳۳	NNRP _a /SI
۰/۱۴	-۱/۲۶	۰/۰۶	۰/۴۷*	NNRP _t /SI

منبع: محاسبات نویسنده با داده‌های موجود در ضمیمه

توجه: متغیرها در ضمیمه تعریف شده‌اند:

*: معنیدار آماری در سطح ۹۵٪

** : معنیدار آماری در سطح ۹۹٪

*** : معنیدار آماری در سطح ۹۹/۹٪

جالبترین نتایج الگوی حمایت کشاورزی در کشورهای در حال توسعه عبارت است از:

۱. برای هر محصول جداگانه و در جمع کل سه کالا می‌توان نتیجه گرفت که سطح وضع مالیات زیاد تولید کشاورزی به واسطه سیاست اقتصاد کلان، به طور معنیداری همبسته مثبت با سطح کل مالیات به واسطه سیاستهای کشاورزی و اقتصاد کلان است. از یک طرف، این مسئله شگفت‌آور به نظر نمی‌رسد، زیرا یک رابطه تعریفی بین NNRP_m/NNRP_t وجود دارد. از طرف دیگر، این مسئله به طور ضمنی اشاره می‌کند که هیچ سیاست کشاورزی خنثی‌کننده برای جبران مالیات ضمنی زیاد ناشی از سیاستهای اقتصاد کلان وجود ندارد.

۲. برای هر سه کالا، رشد حمایت کل با رشد حمایت ویژه بواسطه سیاست کشاورزی، بیشتر همبسته است. این مطلب به طور ضمنی اشاره می‌کند که کشورهایی که به نرخ رشد NNRP_a زیاد (کم) بخصوص پی برده‌اند، همچنین نرخ رشد حمایت ویژه کل زیاد (کم) بخصوصی را ارائه می‌دهند. مثالهایی از کشورها عبارت است از: کره در گندم و برنج یا کامرون در برنج (هر دو

سیاستهای کشاورزی، ...

با نرخهای رشد بسیار بالای $NNRP_p, NNRP_g$ ، یا هند و ترکیه در گندم، ماداگاسکار در برنج و اوگاندا در قهوه (همگی با نرخهای رشد منفی زیاد $NNRP_p, NNRP_g$). رابطه بین نرخهای رشد $NNRP_p, NNRP_m$ برای گندم و قهوه روشن نبوده و حتی برای برنج معیندار نیست. بویژه در برنج، بعضی از کشورها وجود دارند که در آنها محرکهای سیاست کشاورزی کاهش و چارچوب اقتصاد کلان بهبود یافته است (سری لانکا، نپال) و در کشورهایی دیگر بهبود محرکهای سیاست کشاورزی با مالیات ضمنی فزاینده از طریق شرایط اقتصاد کلان ترکیب شده است. (تانزانیا، اندونزی).

۳. در بین سه کالا، شواهد مهمی وجود دارد که، حمایت ویژه بیشتر به واسطه سیاست کشاورزی، به آثار تشبیتی زیاد، مربوط می شود. این حقیقت را که این همبستگی برای تک تک کالاها درست نیست، بیان می کند که اثر کل در نتیجه تلفیق آثار است. توضیح این مطلب ساده است. مقادیر بزرگتر برای $NNRP_g$ و آثار تشبیت بازار بر قیمت‌های تولیدکننده، در مورد گندم متمرکز شده است، در حالی که مقادیر کوچکتر $NNRP_g$ و آثار تشبیتی ضعیف بر قیمت‌های تولیدکننده را می توان در مورد قهوه پیدا کرد.

۴. اما برای هر کشور و هر کالا نمی توان گفت کشورهایی که بر علیه تولیدکنندگان بیشتر در مورد سطح قیمت تبعیض قائل می شوند، در مورد ثبات قیمت هم تبعیض قائل خواهند شد. الگوی کلی از این نوع وجود ندارد.

شواهد تجربی برای زیر گروهی از کشورهای در حال توسعه صادرکننده و واردکننده وضعیت تجاری کشورهای در حال توسعه‌ای که گندم و برنج تولید می کنند، در بین کشورها بسیار متفاوت است. سؤال است این که آیا تأثیر سیاست بر محرکهای قیمت تولیدکننده در کشورهای واردکننده، متفاوت از الگوی موجود در کشورهای صادرکننده است یا خیر؟ به خاطر پاسخ به این سؤال، زیر گروهی کشورهای صادرکننده و واردکننده از هم جدا شده و آثار متوسط برای آثار سیاست بر سطح متوسط قیمت‌های تولیدکننده و رشد و بی ثباتی آن محاسبه شده است. نتایج این محاسبه در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول ۳. آثار متوسط سیاستهای کشاورزی و اقتصاد کلان بر محرکهای قیمت در کشورهای در حال توسعه، ۱۹۶۹-۸۵

صادرکنندگان واردکنندگان صادرکنندگان واردکنندگان				
گندم (n=۵)	گندم (n=۱۵)	برنج (n=۷)	برنج (n=۱۷)	
آثار متوسط بر متوسط قیمت تولیدکننده				
-۷	+۶	-۳۲	+۹	NNRP _t
+۱۰	+۲۳	-۱۱	+۱۶	NNRP _a
-۱۲	-۱۹	-۲۰	-۱۶	NNRP _m
آثار متوسط بر رشد قیمت‌های تولیدکننده				
+۱/۱	-۲/۳	-۰/۱	-۰/۴	NNRP _t
+۱/۱	-۱	-۱/۲	-۰/۲	NNRP _a
۰	+۰/۲	+۰/۸	-۰/۴	NNRP _m
آثار متوسط بر بی‌ثباتی قیمت‌های تولیدکننده (SI)				
-۲/۹	+۳۰/۶	-۱۵/۷	-۱۸/۷	

منبع: جدولهای ضمیمه؛ محاسبات نویسنده

جدول شماره ۳، بعضی تفاوت‌های قابل ملاحظه بین کشورهای صادرکننده و واردکننده را نشان می‌دهد. نخست اینکه، نرخ خالص اسمی حمایت در بین کشورهای در حال توسعه صادرکننده و واردکننده بسیار متفاوت است. این اختلاف برای گندم و برنج صحت دارد. کشورهای در حال توسعه واردکننده گندم در مقایسه با کشورهای در حال توسعه صادرکننده گندم، با تولیدکنندگان خود رفتار مساعدتری دارند.

ارزش متوسط NNRP_t مثبت بوده (۰/۶٪)، در حالی که برای صادرکنندگان گندم (۰/۷٪) منفی است. به طور مشابه، کشورهای در حال توسعه واردکننده برنج در مقایسه با کشورهای در حال توسعه صادرکننده برنج، با تولیدکنندگان برنج رفتار مساعدی دارند. تعداد واردکنندگان برنج حتی بیشتر از واردکنندگان گندم با ارزش متوسط +۹ درصد برای NNRP_t است، در حالی که سیاستهای کشاورزی و اقتصاد کلان به شدت بر علیه صادرکنندگان برنج با متوسط -۳۲ درصد

سیاستهای کشاورزی، ...

تبعیض قائل می‌شوند. می‌توان نتیجه گرفت که تولیدکنندگان برنج در کشورهای صادرکننده به شدت تحت فشار قرار می‌گیرند و اینکه وضع مالیات بسیار شبیه به محصولات صادراتی نوعی، مانند قهوه است.

دوم، جدول شماره ۳، نشان می‌دهد بین سیاستهای کشاورزی اختلاف وجود دارد که سطوح حمایت کلی متفاوتی را در کشورهای واردکننده در تضاد با کشورهای صادرکننده به دست می‌دهد. سیاست کشاورزی مشوقهایی را برای واردکنندگان گندم و صادرکنندگان آن، همچنین واردکنندگان برنج در بین کشورهای در حال توسعه قرار می‌دهد. مقادیر متوسط $NNRP_a$ در کلیه کشورهای گروه، مثبت است. سیاست کشاورزی قسمتی از نبود محرکهای ناشی از سیاست اقتصاد کلان یا کل آن را تلافی می‌کند. اما کشورهای در حال توسعه صادرکننده برنج، به شدت بر تولیدکنندگان برنج از طریق سیاست کشاورزی به همان اندازه فشار می‌آورند و این مسئله، حمایت کل منفی بالا را تشریح می‌کند. در کل، سیاستهای کشاورزی در کشورهای واردکننده گندم نسبت به کشورهای صادرکننده آن و همچنین در کشورهای واردکننده برنج، نسبت به کشورهای صادرکننده آن به روشنی مساعدتر است.

سوم، آثار متوسط سیاستهای کشاورزی و اقتصاد کلان بر بی‌ثباتی قیمتهای تولیدکننده همچنین در کشورهای واردکننده نسبت به کشورهای صادرکننده مساعدتر است. این اختلاف برای گندم بسیار قوی و برای برنج ضعیف‌تر است. برای کشور واردکننده متوسط گندم، بی‌ثباتی قیمتهای تولیدکننده حدود $30/6\%$ درصد به واسطه سیاستهای کشاورزی و اقتصاد کلان کاهش یافته است. کاهش مربوط در بی‌ثباتی برای کشور صادرکننده متوسط گندم فقط $2/9\%$ درصد بود. چهارم، شایان توجه است که رشد $NNRP_a$ و $NNRP_a$ برای کشورهای صادرکننده گندم در مقایسه با کشورهای واردکننده آن مثبت بود. روشن است هرگاه نرخهای رشد $NNRP_a$ و $NNRP_a$ در نظر گرفته شود، وضع مالیات متفاوت، برای تولید گندم در کشورهای صادرکننده متضاد با کشورهای واردکننده در طول دوره ۱۹۶۹ - ۸۵ روند نزولی دارد.

در جمع، فرق بین کشورهای صادرکننده و واردکننده در «تحلیل حمایت» نظری قطعی است. این حقیقت مرسوم در متون موجود [۳۸] که با تولیدکنندگان در کشورهای در حال توسعه

در موقعیتی ویژه وارداتی در مقایسه با موقعیت ویژه صادراتی، به طرز مساعدتری برخوردار می‌شود، به روشنی تأیید شده است. اما با توجه به تعداد زیاد کشورها و دوره زمانی وسیع تحت پوشش، این مطالعه به همراه بعضی از جزئیات مهم نتایج متفاوتی را نسبت به مطالعات قبلی نشان داده است. اگر تأثیر سیاستهای کشاورزی و اقتصاد کلان بر محرکهای قیمت در نظر گرفته شود، در تمام موارد، آثار اقتصاد کلان بر آثار سیاست کشاورزی حکمفرمانیست. اگرچه چارچوب اقتصاد کلان در کلیه کشورهای در حال توسعه این نمونه، باری بر دوش کشاورزی قرار داده است، اما در نمونه ما از کشورها در دوره ۱۹۶۹-۸۵، حمایت خالص اسمی کل برای کشورهای واردکننده متوسط گندم، واردکننده متوسط برنج مثبت است.

بعضی نتایج برای سیاستگذاری و تحقیقات بیشتر

این مقاله در پاسخ به اینکه سطح متوسط قیمتهای تولیدکننده در کشورهای در حال توسعه چگونه از طریق سیاستهای کشاورزی و اقتصاد کلان تأثیر می‌پذیرد، تأثیر بر سطح قیمت تغییر یافته در طول زمان چگونه است و بی‌ثباتی قیمت تولیدکننده چگونه از طریق سیاستهای مورد نظر تغییر می‌یابد، تهیه شده است. تحلیل بر روی دو محصول غذایی مهم (گندم و برنج) و یک محصول صادراتی عمده (قهوه) برای دوره ۱۹۶۹-۸۵ متمرکز شده و «راهکار تجربه» برای اندازه‌گیری آثار سیاستهای کشاورزی و اقتصاد کلان بر «حمایت ویژه» به کار برده شده است. یافته عمده این تحقیق عبارت است از:

۱. سیاستهای اقتصاد کلان منبع مهم حمایت ویژه کل در کشاورزی و در کشورهای در حال توسعه است، زیرا بشدت بر سطح متوسط قیمتهای تولیدکننده و نیز روند و بی‌ثباتی آن اثر می‌گذارد. لیکن در بسیاری از موارد در مورد حمایت ویژه کل، سیاست کشاورزی مهمتر از سیاست اقتصاد کلان بوده است. یافته آخری متفاوت از نتایج مطالعه بانک جهانی است.

۲. هنگامی که انحرافهای نرخ ارز در نظر گرفته شود، بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تولیدکنندگان کشاورزی را مورد تبعیض قرار می‌دهند. صرف نظر از این مسئله، محصول صادراتی قهوه به روشنی در مقایسه با محصولات غذایی گندم و برنج بیشتر تحت فشار قرار گرفته

سیاستهای کشاورزی، ...

است. این نتیجه به طور عمده به واسطه برخورد متفاوت با محصولات غذایی و صادراتی در سیاست کشاورزی است. این حقیقت که سیاست کشاورزی برای محصولات غذایی در مقایسه با محصولات صادراتی رفتار مساعد داشته است، همچنانکه در مطالعات قبلی نشان داده شده فقط در مورد اثر بر سطح محرکهای قیمت تولیدکننده صحت ندارد. اریب بر علیه محصولات صادراتی و نیز در مورد تثبیت ضعیف تر قیمتهای تولیدکننده و زوال محرکهای الفا شده توسط سیاست در طول زمان معتبر است.

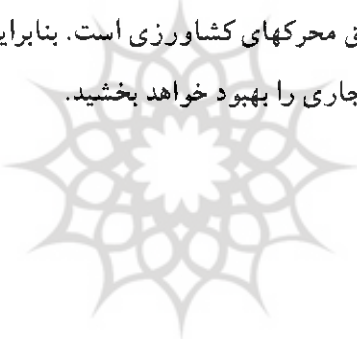
۳. وضع تجاری کشورها برای سطح حمایت ویژه کل در کشاورزی اهمیت دارد. نتایج برای گندم و برنج نشان می دهد که محرکهای قیمت تولیدکننده در کشورهای واردکننده نسبت به کشورهای صادرکننده مثبت است. آثار تثبیت کنندگی سیاستها و نیز برای کشورهای واردکننده قویتر است. مقدار متوسط حمایت کل برای کشورهای واردکننده گندم و کشورهای واردکننده برنج در نتیجه مشوقهای سیاست کشاورزی مثبت است که جبران وضع مالیات ضمنی اقتصاد کلان می کند. لیکن این مقدار برای کشور صادرکننده متوسط گندم و کشور صادرکننده متوسط برنج منفی است. وضع مالیات بر برنج، به خصوص در کشورهای صادرکننده برنج به واسطه نبود محرکهای کشاورزی در اقتصاد کلان بیشتر است و به وسعت تبعیض متداول برای محصولات صادراتی یک کشور در حال توسعه نوعی مانند محصول قهوه می رسد.

کارهای تجربی آینده می تواند سعی در بسط راهکار ارائه شده در این جا، به سمت اندازه گیری و تجزیه به منابع سیاستی نرخهای ویژه مؤثر حمایت به جای نرخهای ویژه اسمی آن داشته باشد. براساس تئوری [۳۹] (حمایت) مسلم است که حمایت مؤثر، مشوقهای واقعی برای تولیدکنندگان را نشان می دهد، در حالی که حمایت اسمی فقط تحت شرایط ویژه ای نشان دهنده این مشوقهاست [۴۰]. اما در گذشته نزدیک داده های کافی برای انجام چنین تحلیلی در پایه وسیع بین کشوری وجود ندارد. با وجود این به طور عمده به کارگیری پایه اطلاعاتی ارائه شده در مورد محرکهای قیمت الفا شده از طریق سیاست برای مطالعات بیشتر در مورد دلالت های صنفی مهم انحرافهای قیمت برای تخصیص منابع و رفاه جالب است.

اما هنگامی که نتایج این مطالعه با شواهد موجود در زمینه حساسیت عرضه در

کشورهای در حال توسعه و با تحلیلهای سیاستی اصولی ترکیب شود، بعضی نتایج سیاستی را می‌توان استخراج کرد. برای مثال Bela Balassa [۴۱] بحث می‌کند که صادرات بشدت به تغییرات قیمت عکس‌العمل نشان می‌دهد و این بیان می‌کند که معکوس‌سازی وضع مالیات محصولات صادراتی، صادرات را تشویق خواهد کرد و حداقل در سطح هر کشور، حساب جاری را بهبود می‌بخشد. با وجود این، نشان داده شده است که نسبت «قیمت تحریف شده» [۴۲] و تلاشهای مختلف تثبیت، بین محصولات صادراتی و وارداتی منجر به کاهش در رفاه کشورهای در حال توسعه می‌شود و معکوس‌سازی، رفاه آنها را افزایش خواهد داد. [۴۳]

در جمع، نتیجه شتابزده از تحلیل این است که آثار سیاست بر محرکهای کشاورزی با دامنه وسیعی از سیاستهای اقتصاد کلان روبه‌رو می‌شود و از بین بردن بار نامرئی ناشی از انحرافهای نرخ ارز، به یقین باعث رونق محرکهای کشاورزی است. بنابراین در کشورهای در حال توسعه سهم کشاورزی در حساب جاری را بهبود خواهد بخشید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Organization for Economic Cooperation Development (OECD), National Policies and Agricultural Trade (Paris OECD, 1987) OECD, Tables of Producer Subsidy Equivalents and Consumer Subsidy Equivalents, 1979 - 1990, OECD/GD (19) 128 (Paris : OECD, 1991) OECD, Agricultural Policies, Markets, and Trade : Monitoring and Outlook 1992 (Paris : OECD, 1993).
2. Food and Agriculture Organization (FAO), Agricultural price Policies : Issues and Proposals (Rome : FAO, 1987) United States Department of Agriculture (USDA), Government Intervention in Agriculture : Measurement, Evaluation, and Implications for Trade Negotiations, Foreign Agricultural Economics Report No. 229 (Washington, DC : Economic Research Service, USDA, 1987) Alan J. Webb, Michael Lopez, and Renata Penn, Estimates of Producer and Consumer Subsidy Equivalents : Government Intervention in Agriculture, 1982 - 87, Statistical Bulletin No. 803 (Washington, DC : Agriculture and Trade Analysis Division, Economic Research Service, USDA, 1990).
3. Willis L. Peterson, "International Farm Prices and the Social Cost of Cheap Food Policies," American Journal of Agricultural Economics 61 (February 1979): 12 - 12/ Anne O. Krueger, Maurice Schiff, and Alberto Valdes, "Agricultural Incentives in Developing Countries: Measuring the Effect of Sectoral and Economywide Policies," World Bank Economic Review 2 (September 1988) : 255 - 71/ Anne O. Krueger, "Some Preliminary Findings from the World Bank's Project on the Political Economy of Agricultural Pricing, " in Agriculture and Governments in an Interdependent World : Proceedings of the Twentieth International Conference of Agricultural Economists Held at Buenos Aires, Argentina, 24 - 31 August 1988, ed. Allen Maunder and Alberto Valdes (Brookfield, VT : Gower: Aldershot, Hants : Dartmouth, 1989), pp. 162 - 71 Donna Roberts and Paul Trapido, Government Intervention in Latin American Agriculture, 1982 - 87, Staff Report No. AGES 9152 (Washington, DC : Agriculture and Trade Analysis Division, Economic Research Service, USDA, 1991/ Maurice Schiff and Alberto Valdes, The Political Economy of Agricultural Pricing Policy, Vol. 4 : A Synthesis of the Economics in Developing Countries (Baltimore, MD : Johns Hopkins University Press for the World Bank, 1992) Manfred Wiebelt, Roland Herrmann, Patricia Schenck, and Reiner Thiele, Discrimination against Agriculture in Developing Countries? Kieler Studien No. 243 (Tubingen : J. C. B. Mohr [P. Siebeck], 1992).
4. Schiff and Valdes, Political Economy of Agricultural Pricing Policy.
5. Derek Byerlee and Gustavo Sain, "Food Pricing Policy in Developing Countries : Bias against Agriculture or for Urban Consumers? " American Journal of Agricultural Economics 68 (November 1986) : 961 - 69.
6. Daphne S. Taylor, A Cross - Country Analysis of Gifferentials (Guelph, Ontario : Department of Agricultural Economics and Business and the Center for Food Security, University of Guelph, 1989)/ Daphne S. Taylor and Truman P. Phillips, "Food - Pricing Policies in Developing Countries : 1989) Daphne S. Taylor and Truman P. Phillips, "Food - Pricing Policies in Developing Countries : Further Evidence on Cereal Producer Prices," American Journal of Agricultural Economics 73 (November 1991): 1036 - 41.
7. Byerlee and Sain, "food Pricing Policy in Developing Countries."
8. Taylor, Cross - Country Analysis of Food Grain Price Differentials, Taylor and Phillips, "Food - Pricing Policies in Developing Countries."

9. Nikolaus Gotsch, Roland Herrmann, and Gunther Peter. "Wie beeinflusst eine Spezialisierung der Entwicklungslander auf Agraexporte die Armutssituation?" Berichte Uber Landwirtschaft 74 (June 1996): 298 - 329.
10. Krueger, Schiff, and Valdes. "Agricultural Incentives in Developing Countries."
11. M. J. Westlake. "The Measurement of Agricultural Price Distortions in Developing Countries, "Journal of Development Studies 23 (1987) : 367 - 81.
12. Taylor and Phillips. "Food Pricing Policies in Developing Countries."
13. For details, see Patricia Gorn, Roland Herrmann, and Benedikt Schalk, The Importance of Direct and Indirect Policies for Agricultural Protection in Developing Countries : Analysis of Time Series for Wheat, Rice, and Coffee, Discussion Papers in Agricultural Economics No. 15 (Giessen : University of Giessen, 1992).
14. Taylor. Cross - Country Analysis of Food Grain Price Differentials.
15. World Atlas Agricultural Committee. World Atlas of Agriculture, Vols. 1 - 4 (Novara, 1973).
16. Taylor. Cross - Country Analysis of Food Grain Price Differentials.
17. FAO, Statistics on Prices Received by Farmers (Rome : FAO, Various years).
18. FAO, FAO Trade Yearbook (Rome : FAO various years).
19. International Monetary Fund (IMF), International Financial Statistics : Yearbook 1990 (Washington, DC : IMF, 1990).
20. Taylor and Phillips. "Food Pricing Policies in Developing Countries."
21. Philip P. Cowitt, World Currency YearBook (Brooklyn, NY : International Currency Analysis Inc., 1986).
22. Franz Pick, Pick's Currency Yearbook 1976 - 1977 (New York : Pick Publishing Corporation, 1978).
23. Byerlee and Sain. "Food Pricing Policy in Developing Countries."
24. Taylor and Phillips. "Food Pricing Policy in Developing Countries."
25. For details, see Gorn, Herrmann, and Schalk, Importance of Direct and Indirect Policies for Agricultural Protection. See also section 4 of this article.
26. Schiff and Valdes, Political Economy of Agricultural Pricing Policy, Taylor and Phillips. "Food - Pricing Policies in Developing Countries."
27. W. Max Corden, The Theory of Protection (Oxford : Clarendon Press, 1971) Bela Balassa and Associates, The Structure of Protection in Developing Countries (Baltimore, MD : Johns Hopkins University Press for the LBRD and the Inter - American Development Bank, 1971).
28. Empirical studies for individual developing Countries indicate, however, that nominal protection Within the agricultural sector follows approximately the same pattern as effective protection. See, e.g. Paul Dorosh and Alberto Valdes, Effects of Exchange Rate and Trade Policies on Agriculture in Pakistan, Research Report 84 (Washington, DC : Internation Food Policy Research Institute, 1990).
29. Bela Balassa, Economic Incentives and Agricultural Exports Developing Countries, Discussion Paper DRD 250 (Washington, DC: Development Research Department, Economics and Reseach Staff, 1987).
30. Alberto Valdes, "Agricultural Trade and Pricing Policies in Developing Countries: Implications for Policy Reform" (Paper Presented at the Twenty - first International Conference of Agricultural Economists, Tokyo, Japan August 22 - 29, 1991).

ضمیمه
 جدول A1. تأثیر سیاستهای کشاورزی و سیاستهای نرخ ارز بر محرکهای قیمت در کشورهای در حال توسعه گندم: ۱۹۶۹-۸۵ (ارقام به درصد)

کشور	تأثیر سیاست بر متوسط			تأثیر سیاست بر رشد			تأثیر سیاست بر بی ثباتی
	قیمتهای تولیدکننده	قیمتهای تولیدکننده	قیمتهای تولیدکننده	قیمتهای تولیدکننده	قیمتهای تولیدکننده	قیمتهای تولیدکننده	قیمتهای تولیدکننده
	NNRP _t	NNRP _a	NNRP _m	NNRP _t	NNRP _a	NNRP _m	SI
	1	2	3	4	5	6	7
الجزایر	-۳۴	+۱۸	-۵۲	-۴/۲***	-۱/۰	-۳/۳***	-۴۶/۵
آرژانتین	-۴۱	-۲۲	-۱۹	+۴/۰	+۳/۳***	+۰/۷	+۴۷/۷
برزیل	+۳۱	+۴۸	-۱۸	-۵/۹***	-۴/۹***	-۱/۰***	-۳۶/۱
شیلی	-۲۷	+۳	-۳۰	+۵/۷***	+۲/۳***	+۳/۴***	+۲۱۴/۹
مصر	-۵۳	-۱۶	-۳۷	-۰/۶	-۲/۷***	+۲/۱***	-۴۵/۰
یونان	+۴۶	+۵۲	-۶	-۲/۳	-۱/۹	-۰/۴***	-۴۵/۱
هند	+۲۰	+۴۱	-۲۱	-۵/۹***	-۷/۵***	+۱/۶***	-۴۳/۲
کنیا	-۱۷	+۱	-۱۹	-۲/۵*	-۳/۰**	+۰/۵	-۲۷/۶
کره	+۴۹	+۵۷	-۸	+۹/۹***	+۹/۰***	+۰/۹***	
مکزیک	+۵۸	+۶۸	-۱۰	-۵/۹***	-۳/۳	-۲/۶***	-۲۵/۷
موروکو	+۴۱	+۴۶	-۵	+۳/۸**	+۳/۶**	+۰/۲	+۰/۷
نجریه	+۶	+۴۴	-۳۸	-۴/۷***	-۱/۷	-۳/۰***	+۱۱/۳
پاکستان	-۳۱	-۳	-۲۸	-۲/۶***	-۴/۱***	+۱/۵**	-۲۹/۳
افریقای جنوبی	+۷	+۱۸	-۱۱	+۱/۱	+۱/۱	۰/۰	-۲/۹
سوریه	-۶	+۱۳	-۱۹	+۱/۳	+۴/۰***	-۲/۷***	+۰/۰
تازانیا	-۴۷	+۸	-۵۴	-۲/۸***	-۰/۴	-۲/۴***	-۹/۷
تونس	+۱۴	+۲۳	-۹	-۰/۱	-۰/۹	+۰/۸**	-۳۰/۶
ترکیه	-۷	+۱۰	-۱۶	-۳/۷***	-۲/۷***	-۱/۰	-۱۸/۰
اروگوئه	-۱۲	+۱	-۱۲	+۴/۰	+۲/۳	+۱/۷**	+۲۴/۸
یوگسلاوی	+۲۴	+۳۱	-۸	-۰/۷	-۰/۱	-۰/۶**	-۴۰/۰
کلیه کشورها	+۱/۹	+۲۳/۱	-۲۱/۲	-۱/۵	-۱/۰	+۰/۱	-۲۸/۵

یادداشت: اعداد واقع در ستونهای ۱ تا ۳ با معادلات ۲ تا ۴ در متن محاسبه شده است؛ ستونهای ۴ تا ۶ ضریبهای برآورد شده رگرسیون توابع روند خطی متغیرهای مربوطه در دوره ۱۹۶۹-۸۵ را نشان می دهد. این ضریبها تغییرات درصدی سالیانه متوسط را بیان می کند. اعداد واقع در ستون ۷ از معادله ۶ در متن محاسبه شده است.

a: ۱۹۶۹-۸۰، b: ۱۹۶۹-۸۳، c: ارزش متوسط
 *: معنیدار آماری در سطح ۹۰٪، **: معنیدار آماری در سطح ۹۵٪، ***: معنیدار آماری در سطح ۹۹٪

جدول A2. تأثیر سیاستهای نرخ ارز بر محرکهای قیمت در کشورهای در حال توسعه
برنج: ۱۹۶۹-۸۵
(ارقام به درصد)

کشور	تأثیر سیاست بر متوسط قیمتهای تولیدکننده		تأثیر سیاست بر رشد قیمتهای تولیدکننده		تأثیر سیاست بر بی ثباتی قیمتهای تولیدکننده		
	NNRP _a	NNRP _m	NNRP _i	NNRP _n	NNRP _m	SI	
	1	2	3	4	5	6	7
آرژانتین	-۲۹	-۶	-۲۰	-۰/۱	۰/۹	+۰/۸	+۲/۴
بنگلادش	-۳۰	+۱۵	-۴۴	-۱/۵	-۱/۰	-۰/۵	+۵/۲
برمه	-۸۷	-۱۴	-۷۳	-۰/۵ ^{***}	-۰/۴	-۰/۱	-۲۷/۵
کامرون	+۹	+۹	-۱	+۱۲/۸ ^{***}	+۱۳/۱ ^{***}	-۰/۳	-۵/۸
کلمبیا	۰	+۱۱	-۱۱	-۲/۲ ^{**}	-۱/۷	-/۵	-۱۵/۷
ساحل عاج	+۳۳	+۳۴	-۱	-۰/۴	-۰/۲	-۰/۲	-۲۰/۸
مصر	-۶۱	-۲۳	-۳۹	+۰/۵	-۱/۳	+۱/۸ ^{**}	-۶۹/۹
هند	-۳۱	+۱۰	-۲۱	+۱/۰ ^{**}	-۰/۲	+۱/۲ ^{**}	-۲۱/۲
اندونزی	-۳۰	-۲۶	-۴	+۲/۷ ^{***}	+۳/۱ ^{***}	-۰/۴ ^{***}	+۳۱/۸
کنیا	-۵۵	-۳۵	-۲۰	+۱/۸ ^{***}	+۱/۳ ^{**}	+۰/۵	+۱۲/۳
کره	+۷۳	+۸۱	-۷	+۱۱/۵ ^{***}	+۱۰/۵ ^{***}	+۱/۰ ^{***}	-۲۲/۲
ماداگاسکار	-۸	+۱۶	-۲۴	-۶/۶ ^{***}	-۵/۷ ^{***}	۰/۹	-۱۸/۷
مالزی	+۶۶	+۶۶	۰	+۳/۱	+۳/۱	۰	-۲۸/۳
مکزیک	+۴۴	+۵۴	-۱۰	-۲/۴	+۰/۱	-۲/۵ ^{***}	-۴۱/۲
نیال	-۲۸	-۱۰	-۱۷	-۲/۵ ^{***}	-۵/۸ ^{***}	+۳/۳ ^{***}	+۳۳/۲
نیجریه	+۱۲	+۴۵	-۳۲	-۳/۶	-۲/۱	-۱/۵ ^{***}	-۵۹/۵
پاکستان	-۴۰	-۱۱	-۲۹	+۰/۴	-۱/۲	+۱/۶ ^{**}	-۲/۸
فیلیپین	+۹	+۱۸	-۹	-۳/۴ ^{**}	-۲/۷	-۰/۷	-۲۹/۹
سنگال	+۳۴	+۳۵	-۱	-۰/۷	-۰/۴	-۰/۳	-۴۰/۵
سریلانکا	-۲۹	+۹	-۳۸	+۰/۴	-۲/۲ ^{**}	+۲/۶ ^{***}	-۱۶/۶
تائوانیا	-۶۳	-۸	-۵۵	-۱/۷ ^{**}	+۰/۷	-۲/۴ ^{***}	-۱۴/۱
تایلند	-۳۲	-۳۱	۰	+۱/۰	+۱/۰	۰	-۲۲/۱
ترکیه	+۵۶	+۷۲	-۱۶	-۱/۵	-۰/۶	-۰/۹	+۳۲/۴
زامبیا	-۵۶	-۱۱	-۴۵	-۰/۳	+۰/۵	-۰/۸	+۵۶/۱
کلیه کشورها	-۸/۷	+۱۳/۲	-۲۱/۹	-۰/۴	-۰/۴	۰/۳	-۱۷/۷

منبع: نگاه کنید به جدول A1

یادداشت: نگاه کنید به جدول A1

d: ۱۹۶۹-۸۳؛ c: ۱۹۶۹-۸۲؛ b: ۱۹۶۹-۸۰؛ a: ۱۹۶۹-۸۵؛ ارزش متوسط

*: معنیدار آماری در سطح ۹٪

**: معنیدار آماری در سطح ۹۵٪

***: معنیدار آماری در سطح ۹۹٪

جدول A3. تأثیر سیاستهای نرخ ارز و کشاورزی بر محرکهای قیمت در کشورهای در حال توسعه قهوه: ۱۹۶۹-۸۵ (ارقام به درصد)

کشور	تأثیر سیاست بر متوسط قیمتهای تولیدکننده NNRP _t	تأثیر سیاست بر رشد قیمتهای تولیدکننده NNRP _a	تأثیر سیاست بر بی ثباتی قیمتهای تولیدکننده SI
	1	2	3
برزیل	-۴۱	-۲۴	-۱۸
کامرون	-۴۷	-۴۵	-۲
کلمبیا	-۵۲	-۴۰	-۱۱
ساحل عاج	-۵۳	-۵۱	-۲
جمهوری دموکراتیک آنگولا	-۴۱	-۱۶	-۲۵
آنگولا	-۴۶	-۳۸	-۸
آل سالوادور	-۴۰	-۱۳	-۲۷
گواتمالا	-۴۵	-۱۹	-۲۶
هندوراس	-۳۳	-۳۲	۰
اندونزی	-۲۵	-۲۱	-۴
کنیا	-۲۰	-۱	-۱۹
ماداگاسکار	-۶۰	-۳۵	-۲۵
مکزیک	-۳۵	-۲۵	-۱۰
پرو	-۶۸	-۴۲	-۲۶
فیلیپین	-۲۳	-۱۳	-۱۰
رواندا	-۵۵	-۲۸	-۲۶
سری لانکا	-۴۲	-۱۳	-۲۹
تانزانیا	-۶۴	-۹	-۵۵
اوگاندا	-۸۱	-۱۹	-۶۳
وتزولا	-۳۵	-۲۶	-۹
زئیر	-۶۵	-۱۶	-۴۹
کلیه کشورها	-۴۵/۵	-۲۴/۸	-۲۰/۷

منبع: نگاه کنید به جدول A1

یادداشت: نگاه کنید به جدول A1

۸۴ - ۱۹۶۹: b ۸۰ - ۱۹۶۹: n

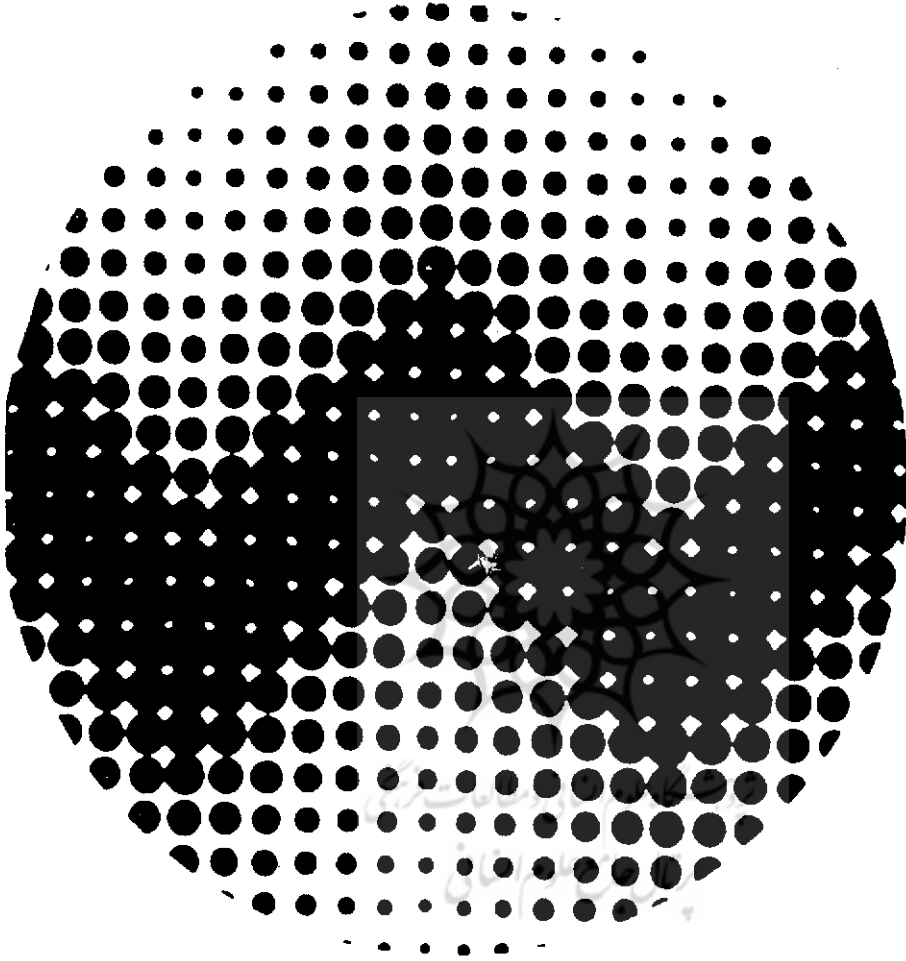
۸۵ - ۱۹۷۶: d ۸۵ - ۱۹۷۰: c

f: ارزش متوسط ۸۵ - ۱۹۷۳: e

*: معنی‌دار آماری در سطح ۹۰٪

**: معنی‌دار آماری در سطح ۹۵٪

***: معنی‌دار آماری در سطح ۹۹٪



پژوهش و جامعه